



السَّالِمُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ

وَعَلَيْهِ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ

وَعَلَيْهِ أَوْلَادُهُ الْحُسَيْنُ

وَعَلَيْهِ أَصْحَابُنَا الْحُسَيْنُ





« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه هفدهم — دور یازدهم — ۳۰ مرداد ۱۴۰۱



در محضر سورۂ فاطر:

دربارهٔ آیه ۱۰:



« عزّت » و « ذلّت »،

در بیان معصومین

صلوات الله عليهم:

« **بيان** » أمير المؤمنين صلوات الله عليه :

آن حضرت می فرمایند:

العزیزُ بغيرِ الله ذلیلٌ

(بحار الأنوار/۶۷/۱۰/۷۸)

عزیزی که عزتش از غیر خدا باشد، ذلیل است.

مَنْ أَعَزُّ بِغَيْرِ اللَّهِ

أَهْلَكَهُ الْعِزُّ (غررالحکم، ج ۵، ص ۲۵۳، ح ۸۲۱۷)

آن که از طریقِ «غیر خدا» به «عزّت» برسد،
همان «عزّتِ (ناپایدار)» او را «هلاک» می‌کند.

النَّاسُ مِنْ خَوْفِ الذَّلِّ

مُتَعَجِّلُوا الذَّلَّ

مردم از ترس ذلت به سوی ذلت می‌شتابند.

(تصنیف غررالحکم و دررالکلم: ص ۳۶۷ ، ح ۸۳۰۱)

و از « ترس ظلم »، « تسلیم ظالم » می‌شوند و به آنها سواری می‌دهند.

پرسش ۱:



« راهکار » مصونیت از « ذلت »؟!

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرمایند:

أَتَقَلَّلُ وَلَا أَتَذَلُّ

به اندک بسنده کنید اما ذلت را نپذیرید.

(تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۶۳ ، ح ۵۶۵۲)

«**بیان**» امام حسین صلوات الله علیه:

حضرت امام حسین صلوات الله علیه می فرمایند:

مَوْتُ فِي عِزٍّ

خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ

(بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲)

مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

ما أَهْوُونَ الْمَوْتِ

عَلَى سَبِيلِ نَيْلِ الْعِزِّ وَ إِيْخْيَاءِ الْحَقِّ

(احقاق الحق ج ۱۱، ص ۶۰۱)

چقدر آسان است مرگ،

برای رسیدن به «عِزَّت» و «زنده کردن حق».

لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةٌ خَالِدَةٌ

وَلَيْسَتْ الْحَيَاةُ مَعَ الذَّلِّ

إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ (اعيان الشيعة: ج ١، ص ٥٨١)

مرگ برای رسیدن به عزت پایدار، زندگی ابدی است،
و «زندگی با ذلت»، جز «مرگ» نیست.

امام حسین صلوات الله علیه می فرماید:

أَلَا وَإِنَّ الدَّعَى ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ
بَيْنَ السُّلَّةِ وَالذِّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ

... (اللهوف: ۹۷)

هان ! این زنازاده پسر زنازاده مرا میان دو چیز مخیر کرده:

میان شمشیر و تن دادن به خواری و هیهات که ما تن به خواری دهیم.

« **بیان** » امام سجّاد صلوات اللہ علیہ :

(۱) **اللَّهُمَّ؛** اِنِّی **اَخْلَصْتُ** بِاِنْقِطَاعِی اِلَیْکَ،

(۲) **وَ اَقْبَلْتُ** بِکُلِّی عَلَیْکَ،

(۳) **وَ صَرَفْتُ** وَجْهَی عَمَّنْ یَحْتَاجُ اِلَی رِفْدِکَ،

(۴) **وَ قَلَبْتُ** مَسْأَلَتِی عَمَّنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ فَضْلِکَ،

خدایا؛ با انقطاع از غیر و پیوستنم به تو خود را از هر شائبه‌ای پاک کردم. ۲- و با تمام وجود به تو رو آورده‌ام. ۳- و از آنکه خودش نیازمند به عطای توست روی گردانده‌ام.

۴- و درخواست خود را از آنکه خودش از فضل تو بی‌نیاز نیست گردانده‌ام

(۵) وَ رَأَيْتُ

أَنْ طَلَبَ الْمُحْتَاجُ إِلَى الْمُحْتَاجِ

سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَ ضَلَاةً مِنْ عَقْلِهِ.

و دیدم خواهشِ محتاج از محتاجی دیگر،
نشانهٔ سفاقتِ او و گمراهیِ عقل اوست.

(۶) فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا إِلَهِي مِنْ أَنْاسٍ

طَلَبُوا الْعِزَّ بِغَيْرِ كَفَذُوا

وَرَأَوْا الثَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَافْتَقَرُوا

چه بسیار مردم را دیده‌ام که از غیر تو عزت جستند و خوار شدند

و^{۲۴} از غیر تو ثروت طلبیدند و تهیدست گشتند (دعای ۲۸ صحیفه)

«**بیان**» امام صادق صلوات الله علیه:

إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا
أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ؟

فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا

... (التّهذيب: ج ٦، ص ١٧٩، ح ٣٦٧)

خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده، اما به او اجازه نداده که « ذلیل » باشد.
مگر شنیده ای که خدای تعالی می فرماید: عزّت از آن خدا و رسولش و مؤمنین است؟
پس، مؤمن عزیز است و ذلیل نیست.

قال: **إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ**،

لَأَنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقِلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ،

وَالْمُؤْمِنُ **لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ** بِشَيْءٍ ...

(التّهذيب: ج ٦، ص ١٧٩، ح ٣٦٧)

و فرمود: مؤمن از کوه محکمتر است، زیرا از کوه با ضربات تیشه کم می شود،

اما مؤمن با هیچ وسیله ای از دین او « کم » نمی شود.

لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ

قُلْتُ: بِمَا يُذِلُّ نَفْسَهُ؟ (قالَ مُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ)

قال: يَدْخُلُ فِيمَا يَعْتَذِرُ مِنْهُ (کافی: ج ۵/ص ۶۴/ح ۵)

سزاوار نیست که مؤمن خود را خوار سازد. پرسیدم چگونه او خود را خوار می‌کند؟

فرمودند: دست به کاری زند که موجب «عذرخواهی» شود.

مَا مِنْ رَجُلٍ تَكْبَرُ أَوْ تَجْبِرُ

أَنَا لَذَّةٌ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ

هیچ مردی نیست که تکبر ورزد یا خود را بزرگ بشمارد،
مگر بخاطر «ذلتی» که در «درون» خود می‌یابد.

(وسایل الشیعه ج ۱۵، ص ۳۸۰، ح ۲۰۸۰۱)

«**بیان**» امام جواد صلوات الله علیه:

عِزُّ الْمُؤْمِنِ

غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ

عِزَّتْ مُؤْمِنٌ دَر « بِي نِيَا زِي » اَو از مردم است.

(تحف العقول: ص ۱۸۹) (بحار الأنوار: ج ۷۲، ص ۱۰۹، ح ۱۲)

« بیانِ » امام عسکری صلوات الله علیه:

مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلَّ

وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزَّ

(بحار الأنوار: ج ۷۸، ص ۳۷۴، ح ۲۴) (تحف العقول: ص ۴۸۹)

هیچ عزیزی «حق» را ترک نکرد، مگر اینکه «ذلیل» شد،
و هیچ ذیلی به «حق» عمل نکرد «مگر اینکه» «عزیز» شد.

پرسش ۲:



دومین « ذلتِ مثبت » برای کیست؟

« ۶ خصوصیت » منتظرین ظهور:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛ مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ

۱- يُحِبُّهُمْ، ۲- وَ يُحِبُّونَهُ،

۳- أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۴- أَعَزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

۵- يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۶- وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ... (مائده/۵۴)

ای اهل ایمان؛ اگر شما از دینتان برگردید پس به زودی خدا گروه دیگری را می آورد که: آنها را دوست دارد و آنها هم

عاشق اویند، با مؤمنان فروتن و بر کافران سرفرازند در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش ملامتگران نمی ترسند

چرا «مکرِ مکاران» بی‌ثمر است؟

« حواس »،

فقط از « واقعیت و ظاهرِ هر چیزی » در دنیا،

به انسان « آگاهی » می‌دهند،

اما از ادراکِ « نیت، حکمت، خیر و شر » پنهان

در هر کاری و هر چیزی، « عاجز » اند.

پس انسان با « **حواس** » خود نمی‌تواند « **خیر** و **شر** » را بشناسد:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ **كُرْهُ** لَكُمْ

وَ عَسَىٰ أَنْ **تَكْرَهُوا** شَيْئًا وَهُوَ **خَيْرٌ** لَّكُمْ

وَ عَسَىٰ أَنْ **تُحِبُّوا** شَيْئًا وَهُوَ **شَرٌّ** لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (بقره/۲۱۶)

وَلَا يَخْشَبْنَ الَّذِينَ **يَبْخُلُونَ** بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ **خَيْرٌ** لَّهُمْ

بَلْ هُوَ **شَرٌّ** لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ « **مَا** **بَخِلُوا** » بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... (آل عمران/۱۸۰)

پس اگر افرادِ بشر با « **ظاهر بینی** و « **سطحی نگری** »
بخواهند « **توطئه** » و « **نقشه جاہلانہ ای** » را اجرا کنند،

هرگز به « **مقصد** دلخواہِ خود » نمی‌رسند،

زیرا « **مکرِ الہی** » آن « **فتنه** » را به نفعِ « **جبههٔ حق** » تمام می‌کند:

وَمَكْرُواْ وَمَكْرَ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِيْنَ

لذا « **نقشه** » توطئه گران و فتنه انگیزان، « **باطل** » است:

وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

من كان كاذباً ظاهراً فله عذاباً حسب ما كان يعمل السَّيِّئَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ السَّيِّئَاتِ

وَمَكْرٌ **أُولَئِكَ هُوَ يُرْوَدُ**

(فاطر/۱۰)

.. و آنها که با حيله و مکر کارهای بد می کنند عذابی سخت خواهند داشت

و نیرنگشان حتماً « **تباه** » و « **بی اثر** » می شود.

پریشانی ۳:



آیا مردم می‌توانند «باربر» باشند؟

آری، مردم فقط « در دنیا » می‌توانند:

« وزیر » یا « **باربر** » دیگران باشند،

و « **مسئولیتی** » را به عهده بگیرند،

و یا « **بار** » افراد را « جابجا » کنند.

« وزیر کیست؟ »

« وزیر »،

« شریکِ اجرائی » در انجامِ « وظائفِ » رهبرِ جامعه است:

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (فرقان/۳۵)

ما به موسی کتاب دادیم و برادرش هارون را « دستیار و شریک » او گردانیدیم.

پرسش ۴:



« مورد: ۵۰۳ »:

« وِزِر » یعنی چه؟



« **وِزْر** »:

« باری در هم تنیده و سنگین » است،

که از « **عملکرد** » چیزی پدید می‌آید.

پس « **وِزْد** » می تواند

« مصائبِ **جنگ** » باشد:

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ

فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً

حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ ... (محمد/۴)

پس چون با اهل کفر مواجه شدید پس «ضَرْبَ الرِّقَابِ» کنید تا آنها را به اسارت درآورید، سپس یا «مَنْتَ گذارید و آزادشان کنید» و یا «فدیه بگیرید (و آزادشان کنید)»،

تا جنگ، «فشارِ سنگینیش» را زمین گذارد ...

بخش اول آیه ۱۸:



« قانونِ مهم آفرینش »:

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

... (فاطر/۱۸)

و هیچ باربری، نمی‌تواند

«عوارضِ رفتاری» دیگران را حمل کند ...

.... وَ لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

.... (أنعام/١٦٤)

.... و هر فردی فقط « علیه خودش »، « کسب » می کند،

و هیچ باربری، « عوارضِ عملکرد » دیگران را حمل نمی کند

مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ

وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ... (إسراء/ ۱۵)

هر که هدایت پذیرفته به سود خود راه یافته

و هر که بیراهه رفته تنها به زیان خود بیراهه رفته.

و هیچ باربری بار عملکرد دیگری را نمی‌برد

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ

وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ... (زمر/۷)

اگر کفر ورزید خدا از شما بی‌نیاز است و او برای بندگان کفر را نمی‌پسندد،
و اگر شکر کنید آنرا برایتان می‌پسندد و هیچ باربری بار دیگری را نمی‌برد ...

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ (۳۸)

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (۳۹)

وَأَنْ سَغِيْرُهُ سَوْفَ يُرَىٰ (نجم / ۴۰)

(توجه کنید) که هیچ باربری بار عملکرد دیگری را نمی‌برد و برای انسان،
جز حاصل عملکرد خودش نیست و عملکردش به زودی دیده می‌شود.

بخش دوم آیه ۱۸:



وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا

لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ... (فاطر/۱۸)

و هیچ باربری، « عملکردِ » دیگران را نمی‌پذیرد

و حتی اگر گرانباری (از دیگری کمک) بخواهد،

(هیچ فردی) چیزی از آن را نمی‌برد « حتی اگر خویشاوند باشد » ...

پس مهمترین « قانونِ آفرینش » اینست که:

« والدین » و « همسر »،

و « فرزندان » و « بستگان »،

و « دوستان » و حتی « شیاطین »،

کمترین « دخالتی » در زندگی انسان ندارند.

« سرنوشتِ » ما به دست « کیست » ؟

« بد وقتی یا خوش وقتی »

هر انسانی، فقط تابع:

« نیت و گفتار و رفتار و اخلاق »

و « عملکرد » خود اوست.

و «کارنامه و سرنوشت»

و «بهشت و جهنم» هر فردی،

هرگز به هیچ فرد یا عامل دیگری،

«گروه نمی خورد.»

زیرا قطعاً و یقیناً

« وراثت و محیط و والدین »،

و « رفیق و همسر و بستگان و شیاطین »،

انسان را به هیچ کاری « مجبور » نمی کنند.

پرسش ۵:



حقیقتِ «وِزِر» چیست؟

«وِزِر» محصول چیست؟

چون حضورِ انسان در «**دنیا**»،

برای «**معلوم**» شدنِ میزانِ «**بندگی**» اوست،

لذا هر عملی که با «**تعالیمِ الهی**»، «**تراز**» نباشد،

قطعاً «**وِزِر**» و «**وبال**» است:

... وَ قَدْ أَتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا (۹۹)

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ

فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (طه/ ۱۰۰)

... و قطعاً به تو از نزد خود «تراز و شاقول و قرآنی» برای یادآوری داده‌ایم،
هر که از (پیروی) آن خودداری کند روز قیامت بار سنگینی بر دوشش می‌گیرد ...

... وَ قَدْ أَتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا (۹۹)

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا (۱۰۰)

خالدین فیہ

وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا (طه/۱۰۱)

... در حالیکه پیوسته در آن (حال) می‌مانند، و چه بد باری در قیامت خواهند داشت.

آن « بار » آنقدر سنگین است که جهنمیان دنبال خلاصی از آنند:

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ **أَيْنَ الْمَفْرُ**؟ (۱۰)

كَلَّا، لَا وَزَرَ (قیامت/۱۱)

آن روز انسان می گوید بارانداز کجاست؟ دنبال نگرد، اینجا باراندازی نیست.

(هرب: گریختن)، (مفر: جایی برای پائین انداختن بار است).

پریشانی



آیا در «قیامت»،
مردم می‌توانند «کولبری» کنند؟

خیر، « کولبری » در « قیامت »،

برای دیگران « غیر ممکن » است،

اما برخی افراد در « حملِ بارِ دیگران »،

مجبورند « سهیم » باشند.

پس هیچ فردی قطعاً نمی‌تواند « **گناه** » دیگری را به گردن بگیرد:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا؛

اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ

وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

(عنکبوت/۱۲)

و اهل کفر شده‌اند به اهل ایمان می‌گویند: راه ما را پیروی کنید و گناهانتان به گردن ما، ولی چیزی از گناهانشان را به گردن نخواهند گرفت قطعاً آنها دروغ‌گویانند.

چه «افرادی» در قیامت،
مجبور به حملِ «اضافه بار» اند؟

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ

وَأَثْقَانًا مِّمَّ أَثْقَالِهِمْ

وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْعَلُونَ (عنكبوت/۱۳)

و قطعاً بارهای سنگین خود و بارهای سنگین دیگری را با بارهای گرانشان باید حمل کنند،
و قطعاً روز قیامت از آنچه با دروغ می‌بافتند مورد بازخواست قرار می‌گیرند.

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ
وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ

(نحل/۲۵)

در روز قیامت بار سنگین خودشان را به طور کامل
و بخشی از بار آنهایی که با نادانی گمراهشان می کردند، به دوش می کشند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً كَانَ لَهُ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ

وَمَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وَزْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهَا

مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَؤْزَارِهِمْ شَيْءٌ.

هر که سنت خوبی را بنا کند اجر عامل به آنرا هم می برد از اجر آنها هم کم نمیشود،
و هر که سنت بدی را بنا کند گناه هر که به آن عمل کند، برای او هم خواهد بود،

بدون اینکه از « بار سنگین » آنها کم شود. (کافی: جلد ۵، ص ۹) (وسائل الشیعه: جلد ۱۵، ص ۲۴)

پس در « **قیامت** »،

« **تر** » و « **خشک** »،

و « **خوب** » و « **بد** »،

قطعاً با هم « **نمی‌سوزند** ».

پرستی ۷:



مردم در چه «زمانی»،
متوجّه «اضافه بارِ سنگینِ» خود می‌شوند؟

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ **السَّاعَةُ** **بَغْتَةً**

قَالُوا: **يَا حَسْرَتَنَا** عَلَىٰ مَا **فَرَّطْنَا** فِيهَا

وَهُمْ يَحْمِلُونَ **أَوْزَارَهُمْ** عَلَىٰ **ظُهُورِهِمْ**

أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (أنعام/ ۳۱)

آنها که لقاء الهی را دروغ انگاشتند قطعاً زیان کردند، تا مرگ ناگهان به آنها رسد می‌گویند:
وای بر ما با افراط‌کاری‌هایمان، و بار سنگینشان را بر پشتشان می‌برند، چه بد باری را می‌برند.

پرستی ۸:



اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱)

وَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ؟

(إنشراح/۲)

آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم؟

و بار سنگین تو را از دوش تو برنداشتیم؟

« بار سنگینِ رسول اکرم صلی الله علیه و آله،

چه بود؟ و « وزیرِ ایشان که بود؟

ظاهراً آن « **وِزْر** »،

بار سنگین « **مبارزه** »

با « **منافقین** » امت،

و « **استقرارِ تمام دین** » در تمام جهان است:

هُوَ الَّذِي

أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه/٣٣)

و ظاهراً آن « **وِزْر** » و آن « بار سنگین »،

به حضرتِ « **أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ** » صلوات الله عليه،

و « **أَئِمَّةُ أَطْهَارَ** » صلوات الله عليهم،

و خصوصاً به « **آخِرِينَ حَجَّت** » واکذار شد.

بہ چہ » دلیل «؟

به دلیل « تقاضای » حضرت موسی علیه السلام:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵) وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶) وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي (۲۷) يَفْقَهُوا قَوْلِي (۲۸)

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي (طه/۲۹)

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱) وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ (إنشراح/۲)

و حدیث منزلت: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ...



خدایا:

ما را به « **عِزَّتِ** **مُؤْمَنَانِه** » برسان،

و از هر نوع « **ذِلَّتِی** »،

و از هر « **وِزَر** » و « **وِبَالِی** » حفظ فرما،

تا در « **ظَهْوَرِ** **آخِرینِ حِجَّت** » سهیم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ